

# سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران<sup>۱</sup>

سیدامیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir

استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## چکیده

شهر به عنوان عالی‌ترین مظهر تمدن انسانی، در ایران دو سرنوشت متفاوت داشته است: در دوران پیش از اسلام که جهان‌بینی طبقاتی حاکم بود و ارتباط میان زمین و آسمان از طریق اشخاص برگزیده برقرار می‌شد، بنابراین شهر صورتی دستوری و نمادین داشت. با ورود اسلام به ایران، جهان‌بینی برابرنگر اسلام، منطق طبقات اجتماعی را در هم ریخت و قبول ارتباط بی‌واسطه میان انسان و خدا، جایگاه واسطه‌ها و اشخاص خاص در جامعه را برچید. در نتیجه شهر اسلامی ایران، به دلیل دگرگونی اندیشه و اعتقاد، محصولی نوین از تمدن دوره اسلامی ایران شد که از سازمان فضایی متفاوتی نسبت به گونه قبل از اسلام خود بهره‌مند بود. شهر جدید، اجتماع محور بود و سازمان و صورت آن از اصالت اجتماع، برابری افراد جامعه و نمادهای اعتقادی ساکنان الهام می‌گرفت. در نتیجه دارای نظم شد که در دوره پیش از آن وجود نداشت تأثیرات شهر ایران قبل از اسلام در دوره اسلامی به برخی عناصر کالبدی و شکل‌دهنده به فضاهای شهری منحصر می‌شد.

## واژگان کلیدی

سازمان فضایی شهر، شهر ایرانی، شهر اسلامی، روابط اجتماعی، مرکزیت شهر.

## مقدمه

شهر مظهر عالی تمدن است. به گواهی محوطه‌های متعدد باستانی، از جمله شهرهای بیشاپور (سرفراز، ۱۳۶۶)، تخت‌سلیمان (سرفراز، ۱۳۴۷)، نیشابور و جندی شاپور (پیگولوسکایا، ۱۳۷۲)، داربگرد، استخر، بیشاپور، ایوان کرخه و مداین و فیروز آباد (هوف، ۱۳۶۵) که آثار آنها همچنان باقی است، ایران سهم مهمی در پدید آوردن سبک ویژه خود از شهر در تاریخ داشته است. آثار نشان‌دهنده سازمان فضایی شهرهای ایران در عصر ساسانی، از شکل‌گیری شهرها تحت اثر منافع گروه‌های برجسته اجتماع، مطابق با جامعه کاستی ساسانی حکایت می‌کند. چهار قرن حکومت ساسانیان در سرزمین ایران توانسته بود فرهنگ پارسی را به نحو نسبتاً کاملی در ساخت و تولید فضا متبلور سازد. شهر، ویژه گروه‌های اجتماعی خاص و به شیوه‌ای آئینی سازمان‌دهی می‌شد.

در این دوره "شهرها بر طبق نقشه‌های منظم بنا گردیده و اکثراً ... با فرم چلیپایی شکل یافتند. با حصار مستحکم محصور می‌شدند ... منطقه کار و تجارت مردم عادی از منطقه دولتی با بناهای کشوری مثل اداره، معابد و کاخ جدا بوده است" (هوف، ۱۳۶۵ : ۱۸۷).

با ورود اسلام به ایران، اندیشه و آئین رایج دگرگون شد. در نتیجه ساخت شهرها نیز دچار دگرگونی گردید. اینکه شهرها تحت اثر اندیشه اجتماع سامان می‌گیرند، امروزه مقبولیت عام یافته است.

"پژوهشگران اروپایی عموماً این امر را به عنوان یک اصل دانسته که خصوصیت یا تیپولوژی خاص شهرهای اسلامی متأثر از فرهنگ و تفکر اسلامی است. به عبارت دیگر این محققان اسلام را بنیادی برای تفسیر الگوی ریخت‌شناسی قرار دادند" (ابو- لقه، ۱۳۸۳ : ۲۱).

در روند پیدایش شهر اسلامی در ایران دو نیرو نقش اساسی ایفا کرد: اول شعار برابری اجتماعی اسلام بود که مهم‌ترین بنیاد سازمان فضایی شهر ساسانی را که مبتنی بر جامعه کاستی بود، در هم ریخت، و دیگر سنت پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) در اهمیت بخشیدن به شهر بود که آن را برای ساخت جامعه اسلامی ضروری می‌دانستند و بدین ترتیب به شکل‌گیری مکتب نوینی از شهر ایرانی منجر گردید: شهر اسلامی ایرانی.

در اهمیت جماعت و تشکیل جامعه احادیث بسیاری از رسول اکرم (ص) نقل شده است. از جمله "کسی که به اندازه یک وجب از جماعت جدا شود، حلقه اسلام را از گردن خود بیرون آورده، مگر آنکه برگردد" (علامه طباطبایی، ۱۳۴۶ ج ۶ : ۲۹۷) و در حدیثی دیگر آمده "دست خدا همراه با جماعت است" (جوانشیر، ۱۳۷۹ : ۶۱). این دو نیرو به شکل‌گیری مکتب جدیدی از شهر ایرانی منجر شد: شهر اسلامی ایرانی.

## فرضیه

دگرگونی اساسی سازمان فضایی در شهر ایرانی دوره اسلامی نسبت به گونه باستانی آن به دلیل تغییر بنیادهای ذهنی صورت بخشی به شهر بوده است. شهر اسلامی ایران سازمان خود را از مکتب اسلام، به مثابه سیستمی وحدت‌دار از اندیشه (توجه به غایت مسائل) و احکام (دستورات عملیاتی) اخذ کرده است. مهم‌ترین مقوله مؤثر بر ساخت شهر اسلامی در ایران، تعریف و احکام اسلام از اجتماع و نقش ویژه آن در رشد انسان به عنوان هدف دین است. در عین حال شهر اسلامی ایران دارای ویژگی‌هایی است که آن را از شهرهای دیگر جهان اسلام متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها از سنت محلی و تجربه بومی ایرانیان در ساخت فضا اخذ شده است.

## بنیاد شهر ایرانی پیش از اسلام

مهم‌ترین عناصر سازنده ذهن ایرانیان پیش از اسلام از ادیان آنها بر می‌آید. اطلاعات امروز ما از آئین‌های باستانی ایران از رواج اسطوره‌های مهر و آناهیتا، کیش مهر (میترا)، آئین مزدیسنا و دین زرتشت حکایت می‌کند. فضای مشترکی بر عصر این ادیان حاکم بود که می‌توان سرایت اعتقادات آنها در یکدیگر را مشاهده کرد. وجود الهه‌های مهر و آناهیتا در همه این دوران ولو در جایگاه‌های مختلف و زمینه‌های مشترک دیگر از جمله تفسیر مشابه آنها از هستی، طبیعت، انسان و اجتماع جهان‌بینی خاصی را پدید آورده بود که پذیرش نظام کاستی زرتشتی در عصر ساسانی امر غریبی نبود. "در این زمان در نژاد آریا طبقات مردم از یکدیگر ممتاز شدند : ۱- گروه روحانیون و پرستشگران ۲- گروه ارتشتاران ۳- گروه کشاورزان ۴- گروه پیشه‌وران و دستورزان" (جنیدی، ۱۳۸۶ : ۹۵). «فلامکی» حتی تحرک انسان‌ها میان مناطق مختلف در آن عصر را محدود دانسته و به نوعی انسداد فضایی اعتقاد دارد که تحرک اجتماعی افراد فقط در ابعاد بسیار محدود میسور می‌شود و گذر از مرتبتی دیگر فقط در درون هریک از طبقات سه‌گانه مقدور تواند بود (۱۳۶۷ : ۲۱۴).

جامعه در آئین ایرانیان باستان امر شناخته‌شده‌ای نبود. پیوند با آسمان از طریق عناصر مقدس، که غالباً اشیاء طبیعی بودند نیازهای روحی انسان‌ها را ارضا می‌کرد. در نتیجه تلاش شهر و سازندگان آن در جهت توسعه تعامل میان انسان‌ها نبود. شهر با آئین‌ها و تبلور عناصر آن در فضای شهری و ساختار آن به کمال می‌رسید. در این فرآیند جامعه پیش از اسلام اهمیت، "رابطه" میان انسان‌ها برای رشد آنها را نادیده می‌انگاشت. در نتیجه سازمان و فضای شهر تلاشی برای ایجاد ارتباط‌های اجتماعی به عمل نمی‌آورد. اعتقاد به برتری طبقاتی نیز از اساس این انگاره را نابود می‌کرد. اعتقاد به تقدس عناصری از قبیل آب یا آتش آنها را به نمادهایی

و خیابان‌های کمربندی بوده است. این خیابان‌ها به صورت اریب، محور اصلی را قطع می‌کردند و به صورت کم و بیش مستطیلی شکل شهر را دور می‌زدند" (ابو- لقد، ۱۳۸۳ : ۸۲). تأکید آئین‌های باستانی ایران به "رابطه" انسان با هستی بدون گذر از ارتباط میان انسان‌ها، زمینه را برای تبیین نظام کاستی



تصویر الف. شهر فیروز آباد (بیشاپور). مأخذ: کیانی، ۱۳۶۶، ۷۸.

بدل می‌کرد که حاکمیت خود را بر "رابطه" میان انسان و فضا تحمیل می‌کرد. در شهر ساسانی دایره شکل فیروزآباد در فارس، مناره‌ای در تقاطع دو قطر عمود بر هم با آشنایی بر فراز خود مرکز شهر را تبیین می‌کرد. ساختار شهر نیز بر اساس مدل چهار بخشی چلیپایی شکلی پدید آمده که حاکی از اصالت "رابطه" انسان با آسمان و حاکمیت مهر در ذهن او بود (تصویر ۱). در نمونه‌های دیگر می‌توان به آبیگرهایی در مرکز شهر دست یافت که با تفسیری مقدس از آنهایتا به تبیین "رابطه" انسان با امر مقدس از طریق کانونی کردن این نقطه به عنوان مرکز شهر پرداخته است (تصویر ۲).

روستای نراق نمونه دیگری مربوط به دوره پیش از اسلام است که از یک گذر اصلی (مسیر آب) در نقش ستون فقرات روستا و یک استخر آب که نقش مرکزیت کارکردی و اعتقادی روستا را ایفا می‌کند، تشکیل شده است. احتمال انطباق مرکز اعتقادی کهن سکونتگاه با مرکز اعتقادی دوره‌های بعد با توجه به هسته اولیه شهر که محله پایین بوده است، وجود دارد (درخشان‌فر، ۱۳۸۸ : ۵۳).

در نتیجه امر قدسی، بی آنکه در اثر فعل انسانی پدید آمده باشد، با استناد به عناصر مقدس طبیعی یا اسطوره‌ای مرکزیت را در شهر شکل می‌داد. شیوه نمادین (سمبلیک) در صورت بخشی به فضا، به هم شکلی شهرها منجر می‌شد. از این رو دور از انتظار نیست که به هنگام توصیف شهر ساسانی به جای آنکه بر نظم رفتاری نهفته در شهر تأکید شود به نظم صوری آن اشاره می‌کنند. "شهرهای بنیاد گرفته پیش از اسلام دارای ساختاری منظم به صورت مربع مستطیل



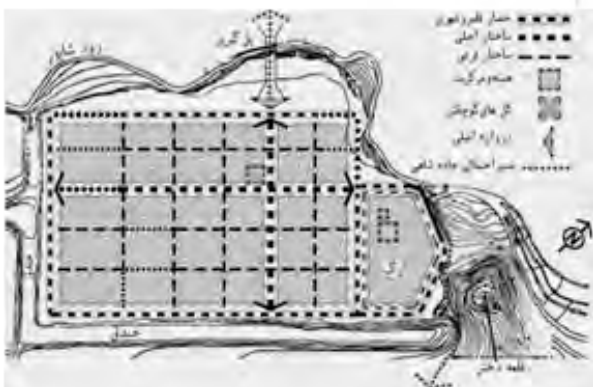
تصویر ب. موقعیت قرارگیری مناره در شهر فیروزآباد (بیشاپور). مأخذ: کیانی، ۱۳۶۶ : ۸۲.



تصویر ۲. حضور آب و درخت در هسته مرکزی شهر بخارا. عکس: آیدا آل‌هاشمی، ۱۳۸۸.

در جامعه فراهم می‌ساخت. جامعه واقعیت وجودی نداشت. هرچه بود فرد بود و عنصر مقدس؛ و آن چه آرمان انسان‌ها را تبیین می‌کرد، "رابطه" این دو بود. در نتیجه شکل‌گیری فضای بیشتر از طریق عناصر مقدس انجام می‌گرفت تا جریان زندگی و روابط انسان‌ها. از این رو نژاد اصالت می‌یافت و انسان‌ها از ریشه و بدو تولد به دو گروه ممتاز و عامی تقسیم می‌شدند و عمل آنها در این طبقه‌بندی مؤثر نبود. اعتقاد به تفاوت ذاتی انسان‌ها که نماد آن در طبقات اجتماع به صورت بزرگان، روحانیون و جنگاوران متجلی می‌شد، موجب اختصاص فضا و شهر به آنها می‌شد و سایرین که نسبتی با امر قدسی نداشتند در حومه جای می‌گرفتند. این ساختار ذهنی از مفاهیم تقدس، فضا و انسان در زبان این عصر پیداست. "در زبان ایرانی «شهر» دو معنای "مملکت" و "پادشاهی" هر دو را با هم دارد. مثلاً در زبان اوستایی خستَر، هم به معنای شهر است و هم به معنی پادشاهی" (جنیدی، ۱۳۸۶: ۳۷). پادشاه شخص مقدسی بود که دیگران حتی او را نمی‌توانستند ببینند و از پس پرده با مردم مرتبط بود. در نتیجه واژه شاه، امر قدسی و شهر به یک حوزه معنایی متصل می‌شد. از نظر بسیاری از اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی، شهرستان (شارستان)، یا همان "شهر" در ادبیات کنونی، مفهومی آسمانی بوده است. "شاه چون دارای فره ایزدی است حاکم جهانیان است، و شهر از آن اوست و به نظر می‌رسد، اوست که شهر بنا به اراده‌اش ساخته می‌شود

در جامعه فراهم می‌ساخت. جامعه واقعیت وجودی نداشت. هرچه بود فرد بود و عنصر مقدس؛ و آن چه آرمان انسان‌ها را تبیین می‌کرد، "رابطه" این دو بود. در نتیجه شکل‌گیری فضای بیشتر از طریق عناصر مقدس انجام می‌گرفت تا جریان زندگی و روابط انسان‌ها. از این رو نژاد اصالت می‌یافت و انسان‌ها از ریشه و بدو تولد به دو گروه ممتاز و عامی تقسیم می‌شدند و عمل آنها در این طبقه‌بندی مؤثر نبود. اعتقاد به تفاوت ذاتی انسان‌ها که نماد آن در طبقات اجتماع به صورت بزرگان، روحانیون و جنگاوران متجلی می‌شد، موجب اختصاص فضا و شهر به آنها می‌شد و سایرین که نسبتی با امر قدسی نداشتند در حومه جای می‌گرفتند. این ساختار ذهنی از مفاهیم تقدس، فضا و انسان در زبان این عصر پیداست. "در زبان ایرانی «شهر» دو معنای "مملکت" و "پادشاهی" هر دو را با هم دارد. مثلاً در زبان اوستایی خستَر، هم به معنای شهر است و هم به معنی پادشاهی" (جنیدی، ۱۳۸۶: ۳۷). پادشاه شخص مقدسی بود که دیگران حتی او را نمی‌توانستند ببینند و از پس پرده با مردم مرتبط بود. در نتیجه واژه شاه، امر قدسی و شهر به یک حوزه معنایی متصل می‌شد. از نظر بسیاری از اندیشمندان ایرانی و غیر ایرانی، شهرستان (شارستان)، یا همان "شهر" در ادبیات کنونی، مفهومی آسمانی بوده است. "شاه چون دارای فره ایزدی است حاکم جهانیان است، و شهر از آن اوست و به نظر می‌رسد، اوست که شهر بنا به اراده‌اش ساخته می‌شود



تصویر ۳. عناصر سازمان فضایی شهر ساسانی بیشاپور. مأخذ: آرشو محمود تیموری.

کارگاه و کاروانسرا که نماد تعامل اجتماعی و جریان زندگی شهری باشد در محدوده حصار دیده نمی‌شود (تصویر ۳).

### پیدایش اسلام و ظهور مفهوم اجتماع

در قرن هفتم میلادی بود که با ظهور اسلام مفهومی به نام اجتماع به عنوان یک کل دارای هویت مستقل از اجزای خود در فرهنگ ایرانیان منشأ شکل‌گیری شهر شد. احکام و قوانین در شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم با تمام جزییات آن دخالت داشته است و حتی شکل ظاهری شهرها نیز متأثر از احکام و قوانین اسلامی بوده است (عثمان، ۱۳۷۶ : ۱۳).

اسلام، اجتماع را وجودی واقعی شناخت که به شهادت آثارش باید به نقش آن در سرنوشت انسان و تحقق اهداف دین پرداخته شود. بسیاری از تعالیم اسلام برآمده از متن آیات قرآن یا احادیث منقول از پیامبر اسلام (ص) حاکی از اهمیت نقش اجتماع در رشد و کمال انسان است که پیش از آن هیچ یک از ادیان به آن نپرداخته بود. قرآن برای جامعه مانند فرد انسانی، اجل و تقدیر قائل شده و احکامی در ارتباط با اجتماع بیان کرده که حاکی از عزم قرآن برای تبیین قوانین جامعه است. "غرض و هدف در نوع اجتماعات موجود غیر دینی، بهره‌مند شدن از مزایای زندگی مادی به صورت دسته‌جمعی است، یعنی همان هدف زندگی دنیوی انسان ولی به صورت اشتراک بین افراد نه به صورت منفرد" (علامه طباطبایی، بی تا : ۴۳).

آیه آخر سوره آل عمران می‌فرماید: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید شکیبایی پیشه سازید و در مشکلات با هم صبر کنید، با هم رابطه داشته باشید و خدا ترس باشید باشد که رستگار شوید" در این آیه اولاً امر به "صبر" شده که صبر فردی است و سپس دستور داده که به صورت دسته‌جمعی مشکلات را تحمل کنند. بدین ترتیب که صبر هر فرد، تکیه‌گاه شکیبایی دیگری باشد، در نتیجه حالتی نیرومند در همگی پدید می‌آید و تأثیر آن چندین برابر خواهد بود. در آیه فوق، آنگاه امر به "ارتباط" می‌شود یعنی اجتماع بین نیروها و عملیات خود که در کلیه شئون دینی ارتباط ایجاد کند، اعم از آنکه در حال سختی باشد یا در حال رفاه و گشایش (همان : ۹۰). "خدا در این آیه روشن می‌کند که اگر اجتماع مسلمین براساس پیروی از راه راست و پرهیز از پیروی سایر راه‌ها باشد، خود این حالت اجتماع آنان را از پراکندگی نگهداری می‌کند و اتحاد و همبستگی‌شان را محفوظ می‌دارد" (همان : ۹۸).

وابستگی بسیاری از احکام اسلام به زندگی اجتماعی زمینه را برای تحقق امت جامعه مسلمانان مؤمن، فراهم می‌آورد. این برنامه قهراً فضاهایی را می‌طلبد که زندگی جمعی بتواند در آن رخ دهد. "واژه «مدینه» در لغت از ریشه کلمه دین گرفته شده است. این واژه به همین معنا ریشه در زبان آرامی و عربی

دارد، یعنی ریشه آن سامی است. اکدی‌ها و آشوری‌ها نیز برای بیان مفهوم شهر از واژه دین به معنای قانون استفاده می‌کردند... از تفاسیر قرآن چنین برمی‌آید که لفظ «مدینه» درباره مکان‌هایی بکار رفته که دارای حکام و سلاطینی بوده و تحقیقاً از سیستمی اداری، قضایی و سیاسی برخوردار بوده است. تفاوت میان شهر و روستا در قرآن کریم را وجود دستگاه قضایی تعیین می‌کند" (عثمان، ۱۳۷۶ : ۱۹).

با ورود پیامبر به یثرب، شهر تغییر نام داد و حضرت رسول (ص) آن را مدینه یا مدینه‌النبی خواندند. در واقع بعد از تغییر نحوه مدیریت شهر، با ورود دین جدید اسلام، شهر با نام قبلی‌اش خوانده نمی‌شد. در آیه ۱۳ سوره احزاب آورده شده است که منافقان شهر را با نام قبلی‌اش یثرب خطاب می‌کردند و مؤمنان آن را مدینه نامیده‌اند.

به گواهی روند شکل‌گیری و تحولات شهرهای ایران در دوره اسلام پس از دوران اولیه فتح شهرها توسط مسلمانان و استقرار سپاهیان پیروز در نواحی حاشیه‌ای، نخستین اقدامات ساختاری در شهرها، تأکید بر مرکز نوین شهر و شکل بخشیدن به آن به عنوان نماد جامعه و اندیشه نو بود. عناصر سازنده مرکز شهر در این عصر مسجد، بازار و خدمات عمومی بود که تدریجاً و در طول تاریخ به عنوان اقدامی جامعه‌گرا آفریننده مفهوم مرکز و قلب شهر بود. این کانون نقش مهمی در خارج ساختن شهر از بافت توده‌ای و هویت بخشیدن به کلیت آن دارد، هویتی که مبتنی بر اندیشه و اجتماع است. تفاوت این رویکرد با شهر ایدئولوژیک حضور مفهوم اجتماع در آن و با شهر توده‌وار، حضور اعتقاد و اندیشه است.

اندیشه اسلام مشخصه‌هایی دارد که در ساخت شهر اسلامی اثر گسترده داشته است. برخی از مهم‌ترین عامل‌های آن در ادامه بررسی شده است.

### برابری انسان‌ها

شعار برابری انسان‌ها صریحاً در قرآن بیان شده و تفاوت انسان‌ها را به تقوی، که امری اکتسابی و وابسته به رفتار انسان و نه نژاد و خلقت اوست، مربوط کرده است. در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده "بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین شماست" این دیدگاه مفهوم شهر را از حریم طبقات برگزیده به مکان همه شهروندان تبدیل کرد.

زندگی روزانه و عادی همه گروه‌های اجتماعی در این شهر رخ می‌دهد. در شهر جدید حجم و اهمیت فعالیت‌های ساکنان است که فضاهای شهری و ساختمان‌ها را پدید می‌آورد نه عناصر سمبلیک و آیینی. در نتیجه اندام‌های اصلی شهر، که نقاط عطف آن را می‌سازند، کاربری‌های عمومی هستند. همجواری این عناصر، که بر اساس قاعده واقع‌گرایی و اولویت عملکرد به تدریج حول محور اصلی شهر پدید می‌آیند، ساختار شهر را

فرصت تبدیل آیین به فضا و شکل را نیافته‌اند. مهم‌ترین رویکرد آنها، پرهیز از سازمان دو قطبی باستانی و بنیاد شهری عدالت محور و برابراندیش است" (منصوری، ۱۳۸۶: ۵۷). شهر این دوره نظامی از استقرار جامعه در مکان را عرضه کرد که از یک سو تقسیم فضا بر اساس تقسیم طبقاتی را برهم زد و از سوی دیگر از گرایش بافت شهری به سوی گونه توده‌وار جلوگیری به عمل آورد. هدف این رویکرد دستیابی به شهری است که توان تحقق جامعه و ارتقای مرتبه و کارکردهای آن را، که به توسعه حیات مدنی می‌انجامد، داشته باشد.

"شبهه روابط بین زیرسیستم‌های شهری (محل) را باید یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری سیستم دانست، چرا که در صورت گردآمدن عناصر تشکیل‌دهنده سیستم محل، مادامی که بین آنها رابطه برقرار نشود، نمی‌توان آن را محل نامید. شکل‌گیری محل در صورتی محقق خواهد شد که بین اجزای تشکیل‌دهنده آن (استفاده‌کنندگان، کالبد، فعالیت‌ها و ...) شبکه‌ای از روابط به وجود آید" (نورمحمدزاده، ۱۳۸۳: ۷۵).

بر اساس روش اسلامی ساختار شهر دارای نواحی نیمه مستقلی شد که بنابر همگرایی قومی یا صنفی پدید آمده بودند. این گونه تقسیم فضا از یک سو شهروندان دارای بیشترین نقاط اشتراک را در کنار یکدیگر قرار می‌داد و زمینه مشارکت در اداره جامعه و رشد مدنیت را افزایش می‌داد؛ و از سوی دیگر شهر را از صورت توده‌وار خارج می‌ساخت و به آن بافتی ساختارمند می‌داد. در این سبک نظم فضایی شهر بیشتر از آنکه مبتنی بر معماری نمادین (بناهای عظیم گروه‌های قدرت) باشد، برگرفته از ساخت اجتماعی است. "جامعه محلی جنبه مهمی از زندگی شهری مسلمانان بود. جامعه‌ای که مبتنی بر محله‌های همگن از لحاظ اجتماعی، مطابق با اشتراکات قومی یا قبیله‌ای، تجارت یا پیروان رهبران سیاسی و مذهبی بود. در شرایط فقدان انجمن‌های مستقل اقتصادی، پیوندهای مستحکمی در محله‌ها وجود داشت" (دانش، ۱۳۹۰: ۲۶).

نواحی نیمه مستقل که محله خوانده می‌شوند، سیستم‌های کوچکی در شهر شناخته می‌شوند که در عین تعادل بخشی به محیط، بقای تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی را ممکن می‌سازند. این رویکرد اگر چه ظاهراً با عدالت اقتصادی و اجتماعی متباین به نظر می‌رسد، اما باید دانست که رسالت شهر تعادل بخشی به فضا برای جلوگیری از ترویج نابرابری‌هاست. در عین حال تعادل اجتماعی مورد نظر اندیشه اسلامی با مساوات و یکسان بودن تفاوت دارد و بر تساوی امکان رشد قائل است و تفاوت‌های ناشی از تلاش یا استعداد را می‌پذیرد.

### مرکزیت اجتماع محور

رویکرد واقع‌گرای قرآن به زندگی اجتماعی باعث شد تا عبادت در اسلام با سایر فعالیت‌های معیشتی و مدنی در مجاورت

شکل می‌دهد. مهم‌ترین عامل در این نحوه از صورت‌پذیری شهر، اصالت اجتماع به مثابه واقعیتی برآمده از انسان‌هایی با حقوق برابر است. "کارکردهای عمومی" و "راه" دو مؤلفه اصلی در شکل شهر است. نقش‌آفرینی این دو عامل تنها بر اساس اصالت برابری انسان‌ها ممکن است. در غیر این صورت لازم می‌آید تا مرتبه و اهمیت فضا و مکان در شهر وابسته به طبقه ساکنان و استفاده‌کنندگان از آن باشد، در حالی که وابستگی نظم حاکم بر فضا به نیازهای عموم مردم حاکی از عدم برتری میان آنهاست.

"تصویری که از نظام اجتماعی در این دوران تازه می‌توان ترسیم کرد، در اصل به استناد تأیید برابری و برادری کلیه مسلمانان، نفی رجحان‌ها و اختلاف‌هایی می‌کند که موجب به وجود آمدن طبقات اجتماعی خواهند شد: جامعه وسیعی از مردمان مطلوب است که اعضایش، با توان‌های برابر، زندگی "این جهانی" خود را به پایان می‌برند و در رابطه با میزان اعمال نیک خود در عبادت الهی و در خدمت مردمی، در "آن جهان" مرتبتی خاص می‌یابند" (فلامکی، ۱۳۶۷: ۲۲۲).

در برخورد با جامعه، واقع‌گرایی اسلام بیشتر از آرمان‌گرایی آن است و شهر را به لحاظ حقوقی عرصه‌ای برابر و عادلانه می‌داند نه به واسطه دارایی ساکنان آن. این رویکرد اسلام اصالت‌دادن به جامعه در عین پذیرش فردیت است. "شهرهای جهان اسلام در روند شکل‌گیری و در تغییر و تبدیل آرام خود یکی از سرشت‌های جاری را کسب می‌کند: درون همان محیط شهری محله‌هایی در قالب اجتماعات قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی با امتیازات و احکام وضع شده از جانب حاکم و نه به صورت مجزا کردن از طریق حصار تشکیل می‌شود" (کوئنو، ۱۳۸۴: ۶۴).

### توسعه مشارکت از طریق ایجاد محله‌های قومی و صنفی

شهر طبقاتی دارای تقسیماتی بر اساس ساختار قدرت در جامعه است. در مقابل، شهری که فاقد تقسیمات درونی باشد شهری یکنواخت و توده‌وار است که اهالی آن با یکدیگر و با مکان زندگی خود پیوند اختصاصی ندارند. شهر ساسانی نمونه گونه نخست و شهر مدرنیست نمونه گونه دوم بشمار می‌رود. لهذا الزاماً نمی‌توان شهرهای غیرطبقاتی را شهرهایی مدنی به شمار آورد که در غیاب ظهور قدرت حاکم و سنت طبقات اجتماعی، قدرت جامعه در آنها متبلور شده باشد. بافت‌های زاغه‌نشین یا نواحی حاشیه‌ای شهرها از جمله آنهاست که تحت اثر نیروی قدرتمند بیرونی به صورت غیررسمی پدید می‌آیند: گونه‌ای از بافت‌های توده‌وار که ساختار قدرت در آنها متبلور نیست و در عین حال فاقد ظرفیت‌های توسعه مدنیت شناخته می‌شوند.

"شهرهای ایران در نخستین سده‌های ظهور اسلام، هنوز

دستورات متعدد اسلام برای حفظ حریم راه، و پاکیزگی آن در کنار ثواب روشن کردن و آبپاشی راه نخستین نشانه‌های اهمیت راه در شهر است. در حدیثی از پیامبر (ص) آمده "مردی را در بهشت دیدم که او در دنیا درختی را کنده بود که مزاحم راه انسان‌ها بود" (جوانشیر، ۱۳۷۹: ۹۳).

مسجد به عنوان مقدس‌ترین مکان برای مسلمانان تحت هیچ عنوان تخریب نمی‌شود مگر آنکه راهی از مسیر آن عبور کند. اینکه مساجد بهترین نمونه‌های مطالعه معماری دوره‌های مختلف هستند و می‌توان آهنگ تغییرات تاریخ را در یک مسجد واحد مشاهده کرد به دلیل تقدس مکان است که تخریب هیچ قسمتی از آن پذیرفته نبوده است. این نکته اهمیت راه در شهر و جامعه اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد. تأکید اسلام بر حفاظت از معبر به اندازه‌ای است که قدیمی‌ترین دستورات منقول از پیامبر اکرم در مورد شهر مدینه به قواعد مربوط به راه، عرض آن و نحوه تصرف در آن باز می‌گردد. "تعیین مقیاس معابر خصوصی به صاحبان آنها واگذار می‌شد و اگر احیاناً اختلافی در این مورد پیش می‌آمد، اصل را بر حدیث رسول اکرم (ص) قرار می‌دادند که فرموده بود: اگر در مورد عرض معبری اختلاف پیدا کردید، آن را هفت ذرع قرار دهید" (عثمان، ۱۳۷۶: ۱۷۶).

پیدایش راه به عنوان فضای اصلی شهر و قوانین حفاظت‌کننده از آن موجب شد تا معابر شهرهای اسلامی تدریجاً ارتقای شأن و شخصیت بیابند و از فضای شهری (که فقط کالبد تعیین‌کننده هویت آن است) به فضای عمومی (که کاربری عمومی و خدمات‌رسانی همگانی شاخص آن است) و در نهایت به فضای جمعی (که برقراری روابط اجتماعی و ایجاد هویت جمعی و واحد برای استفاده‌کنندگان آن را در بر دارد) بدل شود. کوچه در شهر اسلامی ایران مهم‌ترین فضای جمعی است که نقش اساسی در ایجاد خاطره جمعی و تحقق جامعه همسایگان بر عهده دارد. رابطه با همسایه امری مدنی است که بر اساس نسبت فامیلی یا قومی پدید نمی‌آید بلکه سرنوشت مشترک و مشارکت در اداره قلمرو سکونت عامل اصلی ایجاد آن است. دستورات اسلام برای همسایگی بر تعریف و شکل راه‌های شهری نیز اثرگذار بوده است. "طبیعت حقوق مالکیت در اسلام که تقدم را به حقوق مالکیت همسایه نزدیک می‌دهد و این حقوق را بر حقوق جامعه در مجموع مقدم می‌شمرد، موجب پدیدآمدن این ساختار ماز مانند شده، گذرگاه‌ها و معابر باریکی را پدید آورده بود" (ابو- لقد، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

برای رونق بخشیدن به حیات و سرزندگی راه کارگاه‌ها، مغازه‌ها و کاروانسراها در کناره آن مکان‌گزینی می‌کنند. راه جدید به مرکز فعالیت شهر بدل می‌شود که شهروندان در گذر از آن خدمات و نیازهای خود را نیز تأمین می‌کنند. کارکردهای عمومی شهر نیز به تدریج در امتداد راه ساخته می‌شود. راه

یکدیگر مکان‌گزینی کند. در نتیجه مرکز شهر اسلامی مجموعه‌ای عبادی، اجتماعی و کارکردی شد که ارتباط دائمی شهروندان با آن، نقش مرکزیت آن در سازمان فضایی شهر و نظم شکل‌دهنده به صورت شهر را غیر قابل انکار می‌ساخت. "موقعیت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می‌رفت. اولین نقطه‌ای که طراحی می‌شد مسجد جامع شهر بود" (عثمان، ۱۳۷۶: ۲۱۹). سنت شکل‌گیری شهر در ایران نشان می‌دهد که این مسجد الزاماً مسجد جامع نبوده است. مسجد جامع تنها در برخی شهرهای ایران ساخته شده و همه‌گیر نبوده است. استقرار مسلمانان در شهرهای فتح شده ایران نخستین بار در محله‌های مستقل بوده و نخستین اقدام آنان ساخت مسجد به نشانه حاکمیت جدید، نماد اعتقادی و مکان اجتماعی بوده است.

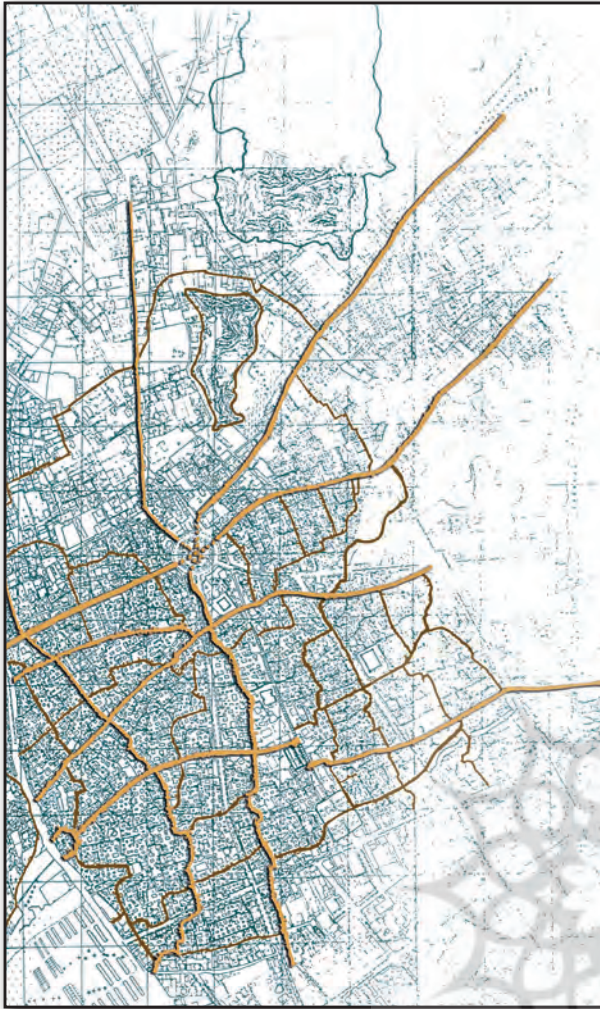
به طور طبیعی مکانی با این بار مفهومی در محله نوساز مرکزیت پیدا می‌کند و به دنبال خود راه‌های اصلی که ساختار محله و شهر را شکل می‌دهد تعریف می‌کند. این نحو هویت‌یابی مرکز با تفسیر عثمان که مسجد را در مرکز می‌ساختند تفاوت دارد. در حقیقت مسجد است که مرکز را تعریف می‌کند و نه بالعکس.

مرحله تکمیلی برای شکل‌گیری مرکز شهر تجمیع فضاهای عمومی شهر و در رأس آنها فضاهای کار و تولید و فروشگاه‌ها در جوار و مسیر مسجد بود. "مرکز شهر به طور عمده به فعالیت‌های اقتصادی اختصاص داشت" (ریمون، ۱۳۷۰: ۴۰). "عنصر اساسی مرکز شهر دکان بود که تجمع آن بازار را به وجود می‌آورد" (همان: ۵۱). از این روست که شهر اسلامی ساختاری مرکب از ابنیه عمومی و مغازه‌ها را دارد که مرکز شهر در میان آن به وضوح پیداست.

### نقش راه در ساخت شهر

راه فراوان‌ترین فضای شهری است و نقش مهمی در معنا و کارکرد شهر دارد. در نگاه اسلام به شهر که آن را به مثابه ظرف تحقق جامعه می‌شناسد، لازم است از همه ظرفیت‌های فضایی شهر برای این هدف بهره گرفته شود. راه‌ها مهم‌ترین عناصر شهری است که به واسطه الزام حضور همه شهروندان در آن، موقعیت‌های مناسبی برای تعاملات اجتماعی و توسعه مدنیت فراهم می‌کند. "شاید بتوان راه (محور) را نخستین نمود آدمی دانست" (شولتز، ۱۳۸۱: ۳۶).

خیابان‌های اصلی شهر، ارزش نمادین دارد، کتاب راهنمای شهر است و به عنوان دیدنی‌ترین مکان‌های شهر است. در شهرهای جهان سوم، خیابان‌ها فقط راه‌هایی عبوری برای رفتن از نقطه‌ای به نقطه دیگر نیست، بلکه باید آنها را مراکز اجتماعی و فرهنگی تلقی کرد" (اپلیارد، ۱۳۸۲: ۸۰).



تصویر ۴. دو سطحی بودن شبکه معابر ویژگی اختصاصی شهرهای اسلامی ایران است که موجب افزایش کارایی و خوانایی شهر می‌شود. گذرهای اصلی با نقش ساختاری، ممتد و مستقیم‌الخط هستند که سبب خوانایی می‌شوند و کوچه‌ها با نقش دسترسی، پیچ‌درپیچ‌اند و با ایجاد کشش و ابهام توسط پرسپکتیوهای متغیر، به زیبایی منظر می‌انجامند. مأخذ: منصور، ۱۹۹۷، تصویر ۲۰.

است که شهر قرون وسطی فاقد آن است و کوچه‌های ناخوانا شناخته می‌شود. پرسپکتیوهای متنوع در کوچه‌های تاییده ایرانی مهم‌ترین جلوه بصری فضا است که منظر خاطره‌انگیز شهر اسلامی ایران را رقم می‌زند.

از این رو این گفته «بمات» که تراکم زیاد جمعیت، مشخصه شهر در اسلام است و افراد جامعه نیز جوهر اصلی شهرنشینی هستند و خانه‌های شخصی نیز واحدهای تشکیل‌دهنده آن می‌باشند. کوچه‌ها نیز در ارتباط با خانه‌ها و به عنوان دالان تلقی می‌شوند و معبری و محلی برای داد و ستد و گردش نیستند.

در نتیجه کوچه‌ها و خیابان‌ها مانند یک چشم‌انداز نیست و برخلاف فضا سازی شهر غربی، عمق‌نمایی و پرسپکتیو وجود

اصلی شهر مسیر دسترسی میان دو دروازه اصلی است که تدریجاً و در طی زمان بازار شهر را شکل می‌دهد. کارکرد بازار از یک سو به عنوان مکان کار و فعالیت شهر و از سوی دیگر به عنوان فضای جمعی در مقیاس شهر موجب می‌گردد تا سیاست‌های توسعه شهر از سوی بخش خصوصی یا نهاد حکومت با تمرکز بر عمران و آبادانی محور بازار، به رونق کالبدی و فعالیتی آن به عنوان ساختار و ستون فقرات سازمان فضایی شهر همت گمارند. این نوع نگاه به راه که آن را از فضایی تک عملکردی به مکانی چند بعدی ارتقا می‌دهد در جامعه سنتی بدون گره‌خوردن با اندیشه دینی نمی‌تواند اعمال شود. "نشأت و پیدایش بازار در شهرهای اسلامی به زمان رسول اکرم (ص) باز می‌گردد. زیرا آن حضرت اولین کسی بودند که بازاری در نزدیکی محله‌های مسکونی برای شهر مدینه ساختند و این سرآغاز تحولات عمرانی بود که بعدها در شهرهای اسلامی حاصل شد و استمرار یافت" (عثمان، ۱۳۷۶ : ۲۳۹).

پیدایی اقسام راه‌هایی که نام خود را از نقش اجتماعی و عملکرد خود در ایجاد قلمرو برای ساکنین بدست می‌آورند نشان‌گر عمق توجه فرهنگ اسلام به ظرفیت راه در شهر برای تحقق جامعه آرمانی خود است. "اندیشه اصلی ویلیام مارش، بر این نکته مبتنی است که اسلام مشخصاً دینی شهری است و طبق قوانین اسلام، زندگی شهری برای مسلمان اجباری است... از نظر او عناصر حیاتی شهر ایده‌آل اسلامی شامل مسجد جامع؛ بازار مجاور مسجد و حمام است" (فلاح، ۱۳۹۰ : ۳۷).

گذر، راهی است که نقش ارتباطی آن اصلی‌تر است؛ کوچه اما، اگر چه راه است اما ترکیب کوی+چه در آن از نقش آن به عنوان پهنه سکونت و تعلق به مکان حکایت دارد. بن بست و دربند اقسام دیگر راه‌هایی هستند که توجه نظام شکل‌بخشی به شهر اسلامی را آشکار می‌کنند. شکل کوچه‌ها در شهر اسلامی به واسطه برخورداری از دو سطح کارکردی و معنایی، خوانایی زیادی به شهر می‌بخشد (تصویر ۴).

اگرچه ابتدا شباهت زیادی میان کوچه‌های مارپیچ شهرهای قرون وسطایی اروپا با معابر پیچ در پیچ شهر اسلامی به نظر می‌آید، اما شهر اسلامی ایران دارای دو گونه اصلی معبر است : کوچه و گذر. کوچه معبر دسترسی درون محله‌ای است و تقسیمات خردی مانند بن بست و دربند دارد، و گذر، معبر میان محله‌ای است که چند محله را به هم پیوند می‌دهد و به ساختار شهر وصل است. گذر پهن‌تر و دارای مکان‌های عمومی است و به دلیل کارکرد خود در قیاس با کوچه امتداد راست و مستقیم دارد. کوچه با صورت مارپیچ خود در فاصله کوتاهی به گذر می‌رسد و ادامه می‌یابد. در نتیجه عابر کوچه هیچ‌گاه در آن گم نمی‌شود و علیرغم تغییر جهت تدریجی به واسطه تلاقی با گذر خوانایی خود را حفظ می‌کند. این نکته‌ای



ندارد (بمات، ۱۳۶۹: ۱۳) صحیح به نظر نمی‌رسد.

### فضای شهری ایرانی با درخت و آب

اگر فراوانی فضای شهری و تلاش شهروندان شهر اسلامی ایران برای ارتقای نقش اجتماعی و تبدیل آن به فضای جمعی ناشی از اندیشه اسلامی شناخته می‌شود، در مقابل منظره فضاهای شهری تابعی از سنت زیبایی‌شناسی ایرانیان باستان بوده است. تقدس آب و درخت در آئین‌های باستانی ایران موجب شده بود که فضاهای ایرانی با حضور آنها تکمیل شود. مهم‌ترین مراکز آئینی مردم ایران در ارتباط با الهه‌های مهر و آناهیتا و درختان مقدس در کنار آبگیرها، چشمه‌ها و درختانی شکل گرفته بود که به زادگاه آناهیتا یا درختان بهشتی منتسب بودند.

در نتیجه نوعی قرابت معنایی میان آب و درخت با مفهوم قدسی برقرار شده بود که زیبایی‌شناسی ایرانی را از خود متأثر می‌کرد.

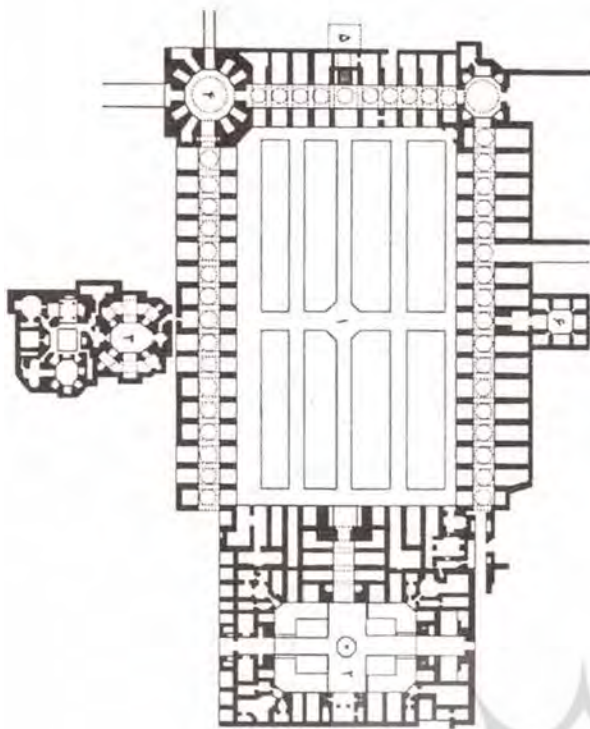
این فرهنگ در ساماندهی فضاهای شهری، که در عهد اسلامی به فراوانی پیش‌بینی می‌شدند تا محل اجتماعات مردم محله‌ها و شهر در مقیاس‌های مختلف باشند، اثر تام داشت. در نتیجه مراکز محله‌ها در شهرها و روستاهای ایران در اغلب مواقع دارای درختی کهنسال یا چشمه آبی هستند که همجواری آنها صرف‌نظر از آن که کدام یک ابتدا پدید آمده، قابل تأمل است. بسیاری از مکان‌های مقدس که امروز در کنار آب‌ها واقع شده‌اند یا روزگاری چشمه و درختی مقدس در آن‌جا وجود داشته است یادگاری از باورهای کهن مبتنی بر طبیعت‌گرایی است که ریشه در اعتقاد به ایزدان مهر و آناهیتا دارد (جوادی، ۱۳۸۶: ۱۶).

### معماری ایرانی در فضاهای جمعی

در شهرهای ایرانی پیش از اسلام، عامل کنترل‌کننده‌ای که نظم فیزیکی شهر متأثر از آن بود، منجر به تفکیک طبقات اجتماعی می‌شد. نمود فیزیکی این تفکیک از امکان حضور همه مردم در بخش‌های ممتاز و اصلی شهر می‌کاست. هرچند امکان دستیابی به مفهوم میدان در بافت شهر باستانی ایران وجود داشته، اما درجه عمومی بودن آن کم است، زیرا عرصه‌هایی مردمی نیستند. در مقابل عرصه‌هایی که در بخش مردمی شهر شکل می‌گیرند از مجاورت با اصلی‌ترین نظام‌های مؤثر بر فضای شهری محروم بودند.

میدان مشهورترین فضای جمعی در ایران است. جلوخان، تکیه و واشدگاه انواع دیگر آن هستند. معماری فضاهای جمعی در ایران ویژگی‌های خاصی دارد که برگرفته از معماری باستانی ایران است که در دوره اسلامی تداوم یافته است.

بهره‌گیری از هندسه کامل مستطیلی، محصوریت، ضرباهنگ (ریتم)، تند (تصویر ۵)، ساده، تأکید بر نقاط عطف اضلاع،



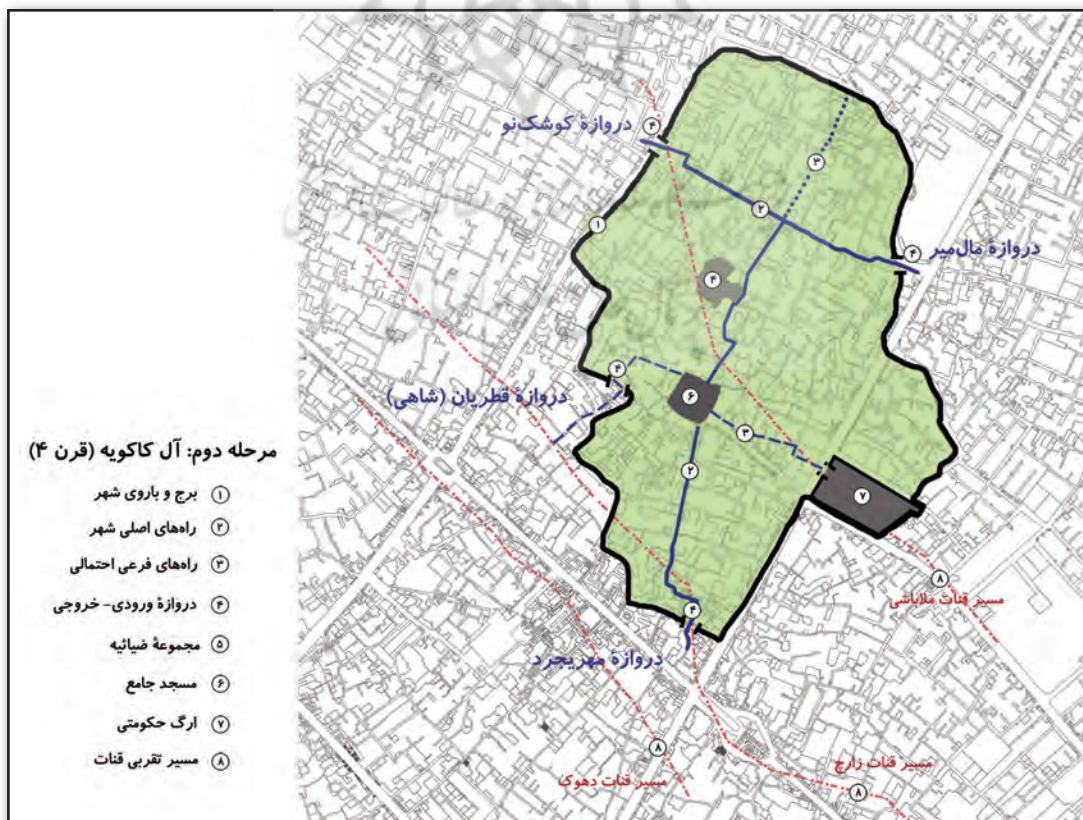
تصویر ۵. ریتم تند و کند در میدان گنجعلی‌خان کرمان. مأخذ: منصوری، ۱۹۹۷، تصویر ۷۹.

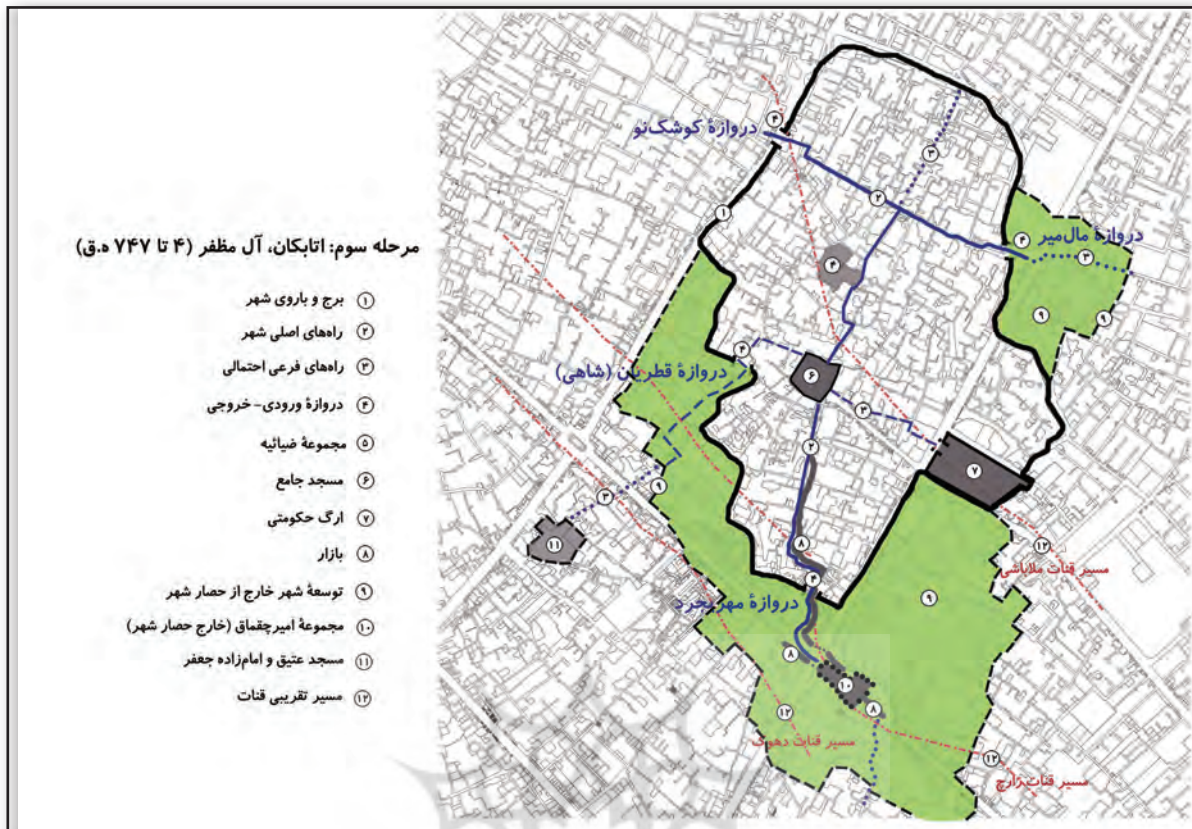
دورنگ (بی‌کروم) و وضوح احجام خصوصیات مشترک معماری میدان‌ها و تکایای ایرانی است که علیرغم تنوع شکلی، زیبایی‌شناسی واحدی را عرضه می‌کند. در جلوخان‌ها و واشدگاه‌ها نیز که صورتی تصادفی و غیر منتظم دارند سرایت این دستورالعمل را می‌توان مشاهده کرد؛ طاق‌نماها و دیوارهایی که اتصال لبه بصری را کامل می‌کند به فضا وحدت خاصی می‌بخشد که حس زیباشناسانه فضای ایرانی را برمی‌انگیزد (تصویر ۶).

رویکردهای معمارانه فضاهای جمعی ایران شکل نو شده سنت باستانی معماری ایران است که در حیاط‌های تاریخی و نمونه‌های پیش از اسلام معماری در ایران قابل مشاهده است. فلسفه این گونه از زیبایی‌شناسی به معنای فضا و رسمیت آن در فرهنگ اسطوره‌ای ایران باستان مربوط می‌شود که معماری آهنگین، رسمی، منظم و متکی بر اصالت اشکال هندسی تعبیری از معنای حماسی، رسمی و تشریفاتی به فضا می‌بخشد که در معماری عامیانه ایران نیز تقلید شده است. از زمان باستان تا عصر حاضر زیبایی‌شناسی معماری ایران برگرفته از مفاهیم اسطوره‌ای نمادها بوده که در فضاهای شهری نیز همان روند تداوم یافته است.

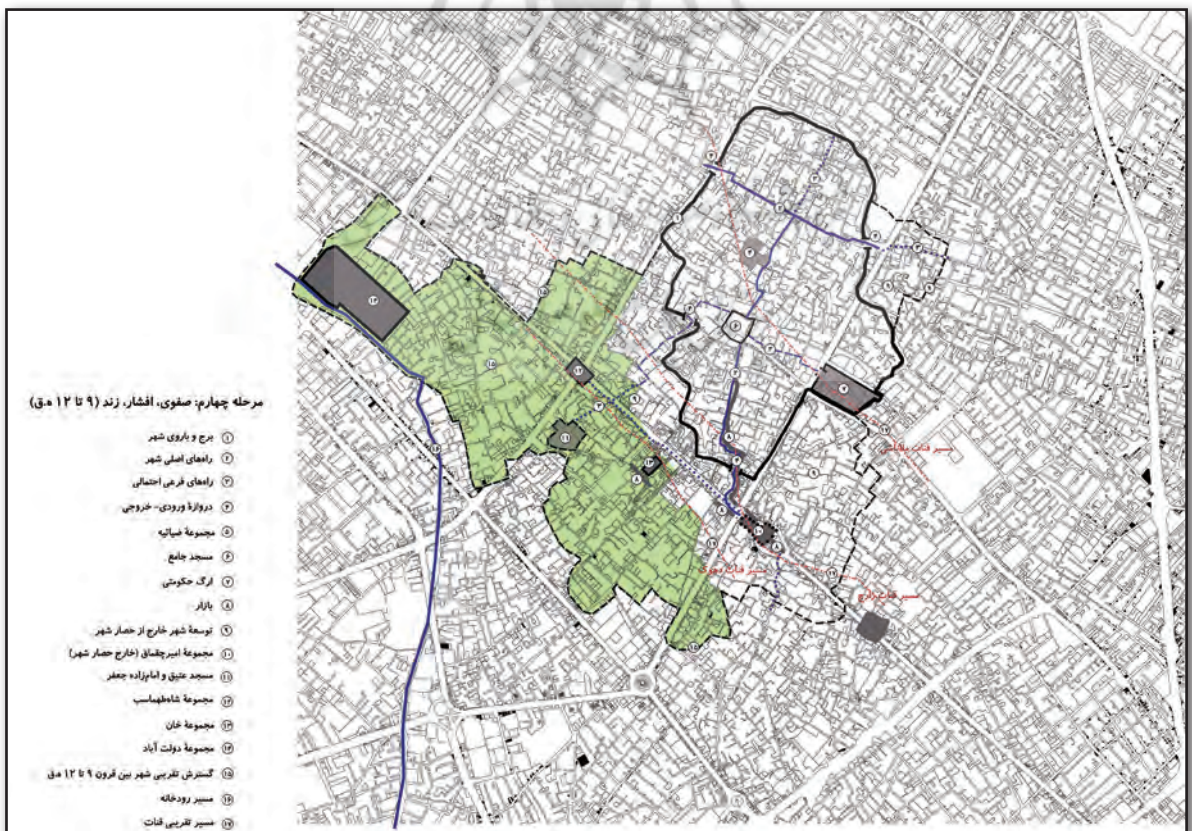


تصویر ۶ بررسی چهار دوره مختلف تاریخی سازمان فضایی شهر یزد. مأخذ: شیرازی، ۱۳۹۱.





تصویر ۶- بررسی چهار دوره مختلف تاریخی سازمان فضایی شهر یزد، مأخذ: شیرازی، ۱۳۹۱.



## نتیجه گیری

سازمان فضایی شهر ایرانی پس از اسلام به گونه‌ای بنیادین متفاوت از شهر قبل از اسلام شکل می‌گیرد. این تفاوت که ناشی از بینش و فهم جدید مسلمانان نسبت به جامعه و نقش افراد در آن است، سازمان متفاوتی از شهر را که دارای تفاوت‌های بنیادی و ماهیتی با آنچه در ایران باستان به عنوان "شهر" خوانده می‌شد، دارد. مفهوم اجتماع و ارتباط افراد در جامعه ایران قبل از اسلام چندان شناخته شده نبود و مفاهیم اسطوره‌ای و قداست بخش به انسان‌ها، مکان‌ها و عناصر طبیعت ساختار شهر را تعیین می‌کرد. این تفاوت در ساختار شهرهای پس از اسلام، به خوبی توانست خود را با عوامل دیگر تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهر تلفیق کند و گونه‌ی جدیدی از شهر را به وجود آورد. در این شهرها الگوی مبتنی بر نفی طبقات اجتماعی، برابری حقوق شهروندان، طبیعت‌پسندی و اهمیت زندگی جمعی با ویژگی‌هایی چون تداوم هویت تاریخی، رعایت ویژگی‌های اقلیمی و زیبایی‌شناسی ایرانی توانست الگویی جدید را به جهان عرضه کند که در عین اشتراک سازمان فضایی آن، با شهرهای مسلمانان در نقاط دیگر جهان، دارای ویژگی‌های اختصاصی شهر اسلامی ایران نیز شناخته شود.

## پی‌نوشت

۱. در پژوهش‌های مربوط به این مقاله و تدوین متن آن زهره شیرازی کارشناس ارشد معماری منظر همکار طرح بوده است.

## منابع

- ابو-لقد، زانت. ال. ۱۳۸۳. یک شهر اسلامی چگونه شهری است، مجموعه مقالات شهرنشینی در اسلام، ترجمه مهدی افشار، جلد ۱، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اپلیارد، دونالد. ۱۳۸۲. خیابان‌ها می‌توانند باعث مرگ شهرها شوند، ترجمه: نوین تولایی، آبادی، (۳۹): ۸۳ - ۷۳.
- براتی، ناصر. ۱۳۸۵. چالش‌های رودرروی شهرسازی در ایران در آستانه قرن ۲۱، مجله باغ نظر، ۳ (۶): ۲۹-۵.
- بemat، نجم‌الدین. ۱۳۶۸. شهر اسلامی، ترجمه: محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پیگولوسکایا، نینا. ۱۳۷۲. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه: عنایت‌الله رضا، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جنیدی، فریدون. ۱۳۸۶. زندگی و مهاجرت آریائیان، چاپ چهارم، تهران: نشر بلخ.
- جوادی، شهره. ۱۳۸۶. اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت، مجله باغ نظر، ۴ (۸): ۲۲-۱۲.
- جوانشیر، کریم. ۱۳۷۹. احادیث موضوعی نهج‌الفصاحه، ویرایش یعقوب دادافکن، تبریز: انتشارات سالار.
- دانش، جابر. ۱۳۹۰. مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کالبدی شهر اسلامی، مجله شهر ایرانی-اسلامی، ۱ (۱): ۳۲-۱۵.
- درخشان‌فر، نوید. ۱۳۸۸. برنامه راهبردی احیاء بازار تاریخی نراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.
- ریومن، آندره. ۱۳۷۰. مقدمه‌ای بر شهرهای بزرگ عربی-اسلامی، ترجمه: حسین سلطان‌زاده، تهران: انتشارات آگاه.
- سرفراز، علی اکبر. ۱۳۴۷. تخت سلیمان، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- سرفراز، علی اکبر. ۱۳۶۶. پیشاپور، مجموعه مقالات شهرهای ایران، محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شولتز، کریستیان. ۱۳۸۴. مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، ترجمه: امیر یاراحمدی، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.
- شیرازی، زهره. طراحی منظر شهری میدان امیرچخماق یزد با رویکرد فضای جمعی در مرکز تاریخی شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، بی‌تا. روابط اجتماعی در اسلام، ترجمه: جواد حجتی کرمانی، تهران: انتشارات بعثت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۴۶. تفسیر المیزان، جلد ششم، چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- عثمان، محمد عبدالستار. ۱۳۷۶. مدینه اسلامی، ترجمه: علی چراغی، تهران: امیرکبیر.
- فلاحت، سمیه. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر ساخت مفهوم «شهر اسلامی»، مجله شهر ایرانی-اسلامی، ۱ (۳): ۴۶-۳۵.
- فلاحکی، محمدمنصور. ۱۳۶۷. فارابی و سیر شهروندی در ایران، تهران: نشر نقره.
- کوننو، پائولو. ۱۳۸۴. تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمه سعید تیزقلم‌نوری، تهران: شرکت عمران و بهسازی.
- منصور، سیدامیر. ۱۳۸۶. دو دوره سازمان فضایی در شهر ایرانی: قبل و بعد از اسلام، مجله باغ نظر، ۴ (۷): ۶۰-۴۹.
- منصور، سیدامیر. ۱۹۹۷. سیر تحولات شهر و معماری کرمان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه پاریس ۱ پانتئون سارین.
- نورمحمدزاده، حسین. ۱۳۸۳. نگاهی سیستماتیک به شهر، مجله صفا، ۴ (۳۸): ۸۰-۳۵.
- هوف، دیتریش. ۱۳۶۵. شهرهای ساسانی، نظر اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.